

به صدادرآمدنِ نطقِ جامعه پس از دوره انسداد

« محمد رضا قائمی نیک

۱. انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی، همچون بسیاری از انتخابات دیگر، فصل جدیدی از سیاست‌ورزی را در ایران رقم زده است. با این حال این فصل جدید، بیش از آنکه تابع الگوی اصلاح‌طلبی-اصول‌گرایی یا لیبرال-مارکسیستی یا آزادی‌خواهی-عدالت‌خواهی باشد، منادی نوع پیچیده‌ای از سیاست‌ورزی است که شاید مهمترین ویژگی آن، رازآمیز بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن آن است. این سیاست‌ورزی توسط نسلی انجام شده است که دوگانه‌های مذکور را دیده، چشیده و لمس کرده و به دنبال راهی جدید برای افق‌گشایی سیاست در آینده ایران است.

۲. برای کشف ماهیت این نوع جدید از سیاست‌ورزی که عمدتاً با رای آوردن بالا و سرنوشت‌ساز نامزدهای جوان دفعه اولی و بدون پشتوانه حزبی یا سیاسی رقم خورده است (به‌وضوح‌ترین شکل، در مشهد، قم و تهران)، شاید اولین گام، درکی اجمالی از شرایطی است که از گذشته به ارث رسیده است. پس از انتخابات پرشور ۱۳۸۴ و بحران‌های ۱۳۸۸، بخشی از نسل اول انقلاب، اعم از حامیان توسعه اقتصادی دولت سازندگی یا توسعه سیاسی دولت اصلاحات یا حتی اصول‌گرایان، به بهانه نگرانی از اوضاع آینده کشور، در اقدامی عجیب به توافق بر سر ایده «کنترل تکنیکی سیاسی» رسیدند. البته طبیعی است که در بحران‌های شدید، یکی از سهل‌الوصول‌ترین راه‌ها، کنترل شرایط بحرانی است، اما همواره این مخاطره وجود دارد که تشدید شرایط کنترل، ویژگی انقلابی یک نظام جوان و نیروی محرکه سیاسی آن را مضمحل سازد.

۳. ایده «کنترل تکنیکی» که عمدتاً از قلمرو علوم فنی-مهندسی یا قلمرو تکنیک به قلمرو علوم انسانی و جهان سیاست راه یافته، می‌کوشد تا با به‌کارگیری «سوژه سراسربین»، همه اجزاء جامعه را با حذف ساحت‌های رازآمیز و غیرقابل پیش‌بینی، در کنترل خویش گرفته و آرامشی نسبی را بر آن حاکم کند. چنین وضعیتی اگرچه

مفید ایده کنترل و شاید نظم سیاسی باشد، اما مهمترین نقیصه آن، حذف قلمروهای رازورزانه و باطنی حاکم بر جهان انسانی از جمله جهان طبیعی (هرچند مطابق بعضی اقوال، جهان طبیعت نیز مشحون از اسرار و رموز کشف‌نشده است)، قلمرو معنا، راز و امور غیر قابل پیش‌بینی است که شاید تنها راه سکنی‌گزیدن در آن، در پیش گرفتن مسیر گفتگو برای کشف حقیقت باشد.

۴. از این جهت، ایده کنترل، مخصوصاً با ابزارهای تکنیکی و زدودن هرگونه معنا و راز از این جهان، در تنافی با ایده گفتگو و نطق سیاسی قرار می‌گیرد. پاسخ ایده کنترل به ایده گفتگوی سیاسی، نه تلاش قاعده‌مند و مبتنی بر قواعد منطقی برای «کشف» حقیقت سیاست، بلکه کنترل همه نیروهای سیاسی، با حذف ساحت‌هایی از معنا و راز است که از دسترس ابزارهای کنترلی حاکم خارج است. در سیاست مبتنی بر کنترل، هدف کنشی سیاسی، کشف حقایق کشف‌نشده نیست، بلکه کنترل همه نیروها به‌واسطه حذف هر ساحتی از حقایق کشف‌نشده است. ایده کنترل، به جای تلاش برای کشف حقیقت و داشتن روی گشوده، ساحت‌های غیرقابل پیش‌بینی را با ابزارهای کنترلی «حذف» می‌کند. ایده حذف به جای ایده کشف، در کانون ایده کنترل سیاسی قرار می‌گیرد و محصول منطقی ایده حذف، انسداد سیاسی است. با کنترل همه نیروهای اجتماعی توسط ابزارهای کنترلی سیاست، پرسش از ساحت‌های کشف‌نشده و مشحون از معنا و راز، تبدیل به «پرسش‌های ممنوعه» می‌شود. در این فضا، سخن و نطق و گفتگوی سیاسی ناظر به کشف حقایق، زاید و لاینفع است و اگر هم باشد، محدود به قلمرو ابزارهای کنترلی سیاست موجود است. در اینجا، نطق سیاسی، در نطفه خفه می‌شود و در فقدان افق‌های معنایی کشف‌نشده، انسداد سیاسی سر بر می‌آورد. حدود سیاست‌ورزی، نه محدود به حدود قواعد منطق سیاسی، بلکه مقید به حدود ابزارهای کنترل قدرت است.

۵. به زبان ساده، فرایند انتخابات در شرایط سیاست

کنترلی، به این شرح است: انتخابات، قلمرو کشف حقایق کشف‌نشده و بارور شدن نطق و گفتگوی سیاسی آحاد جامعه نیست، بلکه فرایند کنترل شرایط سیاسی مجلس، دولت و شورای شهر و نظایر آنها است. نامزدهای کنش سیاسی، مقید به حدود کنترل شده لیست‌هایی هستند که صاحب قدرت، بسته‌اند. هیچ نامزدی حق ندارد اگر در فرایند انتخاب شدن و مواجهه با مشکلات مردم، به نکته کشف‌نشده‌ای دست یافت، آن را به زبان و سخن درآورد. شرایط کنترل شده از پیش معلوم لیست‌های انتخاباتی، خط قرمز است و نباید به بهانه کشف یک حقیقت پیش‌بینی‌نشده، در فرایند مشارکت سیاسی آحاد مردم، خدشه دار شود. اما رای‌دهندگان نیز کنترل شده‌اند. گفتگوهای سیاسی کنترل شده در ایام منتهی به انتخابات، اغلب نمایشی‌اند؛ اما آنچه سرنوشت انتخابات را رقم می‌زند، لیست منتشرشده در آخرین لحظات، برای رای‌دهندگان از پیش کنترل شده است. کنترل رای‌دهندگان با ابزارهای کنترلی اقتصاد و معیشت یا بوروکراسی و تکنوکراسی یا حتی تئوکراسی انجام می‌شود. در هر صورت، توده‌ای کنترل شده، به لیست کنترل شده‌ای رای می‌دهند و مجلس، شورای شهر یا دولت کنترل شده‌ای بر سر کار می‌آید. چنین نهاد سیاسی که محصول شرایط کنترل شده است، نتیجه‌ای جز تشدید شرایط کنترلی نخواهد داشت.

۶. انتخابات ۱۱ اسفند، در سرتاسر کشور، البته نه لزوماً به‌وجهی فراگیر، تلاشی برای خروج از این ایده کنترل بود. فارغ از اینکه نامزدهای سربزآورده از شرایط غیرکنترلی، تا چه میزان جسارت نقد شرایط کنترلی را داشته باشند یا تا چه میزان، تناسب و هماهنگی آراء در آنها دیده شود یا حتی فارغ از اینکه تا چه میزان، بتوانند اهداف و آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی را دنبال کنند، اما این انتخابات، تلاشی از پیش‌کنترل‌نشده و خودجوش برای شکستن انسداد سیاسی ناشی از طرح ایده کنترلی بود که عمدتاً از اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ بر کشور، حاکم شد.

۷. مهمترین ویژگی این تلاش کمابیش فراگیر اما کنترل‌نشده و خودجوش، گشودگی آن برای کشف حقایق سیاسی انقلاب اسلامی در ایران است. هرچند ادامه این جنبش فراگیر